

اصول بنیادین در حرفه وکالت

(بررسی تطبیقی با قواعد نمونه رفتار حرفه‌ای کانون وکلای آمریکا)

محمد باقری

چکیده

حرفه وکالت از جمله حرفه‌های حقوقی است که کیفیت عملکرد آن، افزون بر تأثیر مستقیم بر حقوق و منافع موکل، با کارآمدی دادرسی، اعتماد عمومی به دادگستری و تحقق عدالت ارتباط دارد. از این رو، تنظیم رفتار حرفه‌ای وکیل نمی‌تواند تنها به قواعد عمومی قرارداد وکالت یا مقررات انتظامی پراکنده محدود شود. در حقوق آمریکا، قواعد نمونه رفتار حرفه‌ای که در سال ۱۹۸۳ به تصویب رسیدند، چارچوبی ملی برای تنظیم استانداردهای رفتار حرفه‌ای وکلا فراهم کرده‌اند. در حقوق ایران نیز اگرچه قانون جامع و مستقلی با ساختار قواعد نمونه وجود ندارد، مجموعه‌ای از مقررات قانون مدنی، قانون وکالت، لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، آیین‌نامه اجرایی آن، بخش مهمی از تکالیف حرفه‌ای وکیل را پوشش می‌دهد. در واقع هر دو نظام در اصولی مانند صلاحیت، جدیت، رازداری، وفاداری، همپوشانی قابل توجهی وجود دارد؛ با این حال، قواعد رفتار حرفه‌ای کانون وکلای دادگستری آمریکا در بسیاری از حوزه‌ها ساختارمندتر، تفصیلی‌تر و از حیث تفکیک موقعیت‌های تعارض منافع، محرمانگی، ارتباط با دادگاه و تبلیغات حرفه‌ای منسجم‌تر است.

کلیدواژه‌ها: رفتار حرفه‌ای، رازداری، صلاحیت حرفه‌ای، تعارض منافع، قواعد نمونه

مقدمه

هر حرفه تخصصی برای حفظ کیفیت خدمات، اعتماد عمومی و پاسخ‌گویی اعضای خود نیازمند مجموعه‌ای از قواعد رفتاری و حرفه‌ای است. این قواعد ممکن است در قوانین، آیین‌نامه‌ها، مقررات انتظامی، اصول اخلاق حرفه‌ای و استانداردهای تخصصی منعکس شوند. هدف از چنین مقرراتی صرفاً تعیین ضمانت اجرای تخلف نیست؛ بلکه ایجاد معیارهایی برای تشخیص رفتار حرفه‌ای مطلوب و تعیین حدود مسئولیت شخص متخصص در برابر مراجعه‌کننده، سایر اشخاص و جامعه است.

این ضرورت در حرفه وکالت اهمیت بیشتری دارد. وکیل از یک سو نماینده و مدافع حقوق و منافع موکل است و از سوی دیگر، در فرآیند اجرای عدالت و دادرسی نقش دارد. بنابراین، رابطه وکیل و موکل صرفاً یک رابطه خصوصی قراردادی نیست و رفتار وکیل می‌تواند بر حقوق طرف مقابل، اعتبار فرآیند دادرسی و اعتماد عمومی به نهاد عدالت اثر بگذارد. از همین رو، اصولی مانند صلاحیت، جدیت، استقلال، وفاداری، رازداری، صداقت، پرهیز از تعارض منافع و رعایت شأن حرفه‌ای، عناصر اساسی رفتار حرفه‌ای وکالت به شمار می‌روند؛ با این توضیح که برخلاف عقیده برخی از حقوق‌دانان، اصول مذکور حصری نبوده و تمثیلی می‌باشد. (انصافداران، ۱۳۹۰)

در ایالات متحده آمریکا، اتحادیه کانون‌های وکلای آمریکا در سال ۱۹۸۳ قواعد نمونه رفتار حرفه‌ای را تصویب کرد. (Bennett et al., ۲۰۲۳) این قواعد، قانون واحد و الزام‌آور فدرال برای همه وکلا نیستند؛ بلکه الگوی تنظیم قواعد اخلاق و رفتار حرفه‌ای در حوزه‌های قضایی مختلف آمریکا محسوب می‌شوند و هر ایالت قواعد خاص خود را با درجات متفاوتی از اقتباس یا اصلاح از قواعد نمونه اتحادیه موصوف، تصویب می‌کند.

در حقوق ایران، چنین سند جامعی با ساختار قواعد نمونه کانون‌های آمریکا وجود ندارد؛ با این حال، تکالیف حرفه‌ای وکیل در مجموعه‌ای از منابع پراکنده قابل شناسایی است. قانون مدنی در مقررات عقد وکالت، قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵، لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری و آیین‌نامه اجرایی آن، مقررات آیین دادرسی و قوانین کیفری و انتظامی، هر یک بخشی از این نظام را تشکیل می‌دهند. برای نمونه، ماده ۶۶۷ قانون مدنی وکیل را مکلف به رعایت مصلحت موکل و حدود اختیار می‌کند؛ ماده ۳۰ قانون وکالت تکلیف به حفظ اسرار موکل را مقرر کرده و مواد ۴۴ و ۴۵ همان قانون، تکالیفی درباره اطلاع‌رسانی و آگاه کردن موکل از آثار قانونی عدم پیشرفت دعوا مقرر کرده‌اند.

پرسش این مقاله آن است که اصول بنیادین رفتار حرفه‌ای وکیل در قواعد نمونه رفتار حرفه‌ای اتحادیه کانون‌های وکلای آمریکا چیست و این اصول تا چه اندازه در حقوق ایران مورد شناسایی و حمایت قرار گرفته‌اند؟ با توجه به اینکه حقوق آمریکا در این زمینه دارای سند جامعی می‌باشد، بنابراین ضمن بررسی حقوق آمریکا به مقرررت حقوق ایران در این خصوص پرداخته می‌شود تا از رهگذر مطالعه تطبیقی معایب و نواقص احتمالی حقوق ایران نمایان گردد.

روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی می‌باشد و در هر بخش ابتدا اصول مرتبط با قواعد نمونه رفتار حرفه‌ای معرفی، سپس تحلیل و در نهایت وضعیت حقوق ایران بررسی و ارزیابی می‌شود.

۱. اصل صلاحیت حرفه‌ای وکیل دادگستری

صلاحیت حرفه‌ای نقطه آغاز ارائه خدمت حقوقی شایسته است. وکیل برای دفاع مؤثر از حقوق موکل باید از دانش حقوقی، مهارت عملی، آمادگی و دقت متناسب با موضوع برخوردار باشد. صلاحیت حرفه‌ای را نباید صرفاً به داشتن مدرک تحصیلی یا پروانه وکالت فروکاست؛ بلکه پس از ورود به حرفه نیز حفظ و ارتقای دانش و مهارت، مطالعه مستمر و شناخت تحولات حقوقی از الزامات حرفه‌ای است.

ماده ۱۰۱ قواعد نمونه آمریک با عنوان «صلاحیت»^۱ مقرر می‌دارد: وکیل باید نمایندگی شایسته‌ای از موکل ارائه دهد و این امر مستلزم دانش حقوقی، مهارت، دقت و آمادگی لازم برای انجام مسئولیت است. در ارزیابی صلاحیت، عواملی مانند پیچیدگی و تخصصی بودن موضوع، تجربه عمومی وکیل، آموزش و تجربه مرتبط، میزان مطالعه و آمادگی قابل اختصاص به پرونده و امکان ارجاع یا مشورت با وکیل دارای تجربه مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین ملاحظه می‌شود قاعده مذکور صلاحیت را مفهومی پویا و وابسته به اوضاع و احوال هر پرونده می‌داند.

نکته مهم آن است که اصل موصوف در قواعد نمونه آمریکا لزوماً داشتن سابقه قبلی در همه موضوعات را شرط صلاحیت نمی‌داند. وکیل می‌تواند با مطالعه کافی، آماده‌سازی مناسب و در صورت لزوم استفاده از مشاوره و همکاری وکیل متخصص، پرونده‌ای ناآشنا را نیز به نحو شایسته بپذیرد. از این منظر، معیار، توانایی واقعی وکیل برای ارائه خدمت مناسب در پرونده مشخص است، نه صرفاً سابقه قبلی (Susan et al., ۲۰۱۵).

در کنار صلاحیت، ماده ۱۰۳ با عنوان «کوشش»^۲ وکیل را به پیگیری پرونده با جدیت و سرعت متناسب ملزم می‌کند. این اصل در حقوق ایران نیز با تکالیف مقرر در قانون وکالت هم‌خوان است؛ ماده ۴۴ قانون وکالت، وکیل را مکلف می‌کند پس از ابلاغ حکم، قرار یا اخطاری که مستلزم انجام امر یا پرداخت هزینه از سوی موکل است، در اسرع وقت موضوع را به موکل اطلاع دهد، به نحوی که حق او تفویض نشود. همچنین مقررات انتظامی، خودداری از برخی اقدامات لازم، اطلاع‌رسانی نامناسب و اقدامات عمدی برای اطلاع دادرسی را مورد توجه قرار داده‌اند.

بنابراین، در حقوق ایران نیز می‌توان دو مؤلفه صلاحیت و جدیت حرفه‌ای را از مجموعه مقررات استخراج کرد؛ با این تفاوت که این اصول در قالب یک قاعده جامع و صریح همانند ساختار قواعد نمونه آمریکا در یک سند واحد گرد نیامده‌اند. پیشنهاد می‌شود در تدوین قواعد رفتار حرفه‌ای، صلاحیت و جدیت به عنوان دو اصل مستقل اما مرتبط، با معیارهای روشن برای حفظ صلاحیت، مطالعه مستمر، ارجاع پرونده تخصصی و مدیریت مهلت‌های قانونی شناسایی شوند.

۲. اصل رازداری و محرمانگی اطلاعات

اعتماد، زیربنای رابطه وکیل و موکل است و تحقق آن مستلزم اطمینان موکل از حفظ اطلاعاتی است که برای دریافت مشاوره و دفاع مؤثر در اختیار وکیل قرار می‌دهد. اگر موکل بیم داشته باشد که اطلاعات

۱. Competence

۲. Diligence

خصوصی یا حساس او بدون مجوز افشا خواهد شد، ممکن است از بیان کامل واقعیت خودداری کند و در نتیجه کیفیت مشاوره و دفاع کاهش یابد.

حفظ محرمانگی موجب میشود موکل بتواند اطلاعات لازم را در اختیار وکیل قرار دهد و وکیل برای نمایندگی مؤثر از واقعیتهای پرونده مطلع شود.

ماده ۱۶ با عنوان «محرمانگی اطلاعات»^۳، اصل محرمانگی اطلاعات مربوط به نمایندگی را مقرر می‌کند. طبق مقرر موصوف، این تکلیف صرفاً به اطلاعاتی که موکل مستقیماً بیان کرده محدود نیست، بلکه اطلاعات مرتبط با نمایندگی حرفه‌ای را در بر می‌گیرد. همچنین این ماده استثنای محدودی را برای افشای اطلاعات، از جمله در برخی شرایط برای جلوگیری از مرگ یا آسیب جسمی قابل توجه، پیشگیری یا اصلاح برخی خسارت‌های مالی ناشی از جرم یا تقلب و نیز دفاع وکیل از خود در اختلافات مربوط به نمایندگی، پیش‌بینی می‌کند. مضافاً اینکه وکیل مکلف است اقدامات معقولی برای جلوگیری از افشای سهوی یا دسترسی غیرمجاز به اطلاعات انجام دهد.

در اینجا باید میان سه مفهوم تفکیک نمود نخست، «تکلیف حرفه‌ای به محرمانگی» که ناظر به رفتار وکیل است؛ دوم، «امتیاز رابطه وکیل - موکل»^۴ که در اصل ناظر به حمایت از ارتباطات واجد شرایط برابر «افشای دلیل اجباری»^۵ است؛ و سوم، «مصونیت محصول کار وکیل»^۶ که در حقوق آمریکا نهادی متفاوت و عمدتاً ناظر به حمایت از مطالب و اسناد تهیه‌شده در ارتباط با دعوای قابل پیش‌بینی یا در جریان رسیدگی می‌باشد. این موارد می‌تواند اظهارات مکتوب، یادداشت‌های خصوصی، شرح وقایع، برداشتهای ذهنی، اعتقادات شخصی و هر نوع اطلاعاتی که توسط وکیل با پیش‌بینی احتمالی از جریان دعوای آماده نموده است، را دربرگیرد. (Kerley, et al., ۲۰۰۸) بنابراین، این سه مفهوم نباید به عنوان مترادف یکدیگر به کار روند. (Bennett et al., ۲۰۲۳)

در حقوق ایران، ماده ۳۰ قانون وکالت مقرر می‌دارد: وکیل باید اسراری را که به واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و نیز اسرار مربوط به حیثیت، شرافت و اعتبار موکل را حفظ کند. این تکلیف با ضمانت اجرای انتظامی همراه است و در آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری نیز افشای اسرار موکل در شمار تخلفات انتظامی قرار گرفته است؛ بنابراین اصل رازداری در حقوق ایران دارای مبنای صریح قانونی و انتظامی است.

افزون بر آن، ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات، افشای اسرار اشخاص از سوی کسانی را که به مناسبت شغل یا حرفه محرم اسرار می‌شوند، در غیر موارد قانونی جرم‌انگاری کرده است. با این حال، برای تحلیل مسئولیت کیفری وکیل باید شرایط و عناصر دقیق جرم و موارد قانونی افشا بررسی شود و نمی‌توان صرفاً از ماده مزبور نتیجه گرفت که هر نوع افشای اطلاعات در همه شرایط جرم است.

۳. Confidentiality of Information

۴. Attorney-Client Privilege

۵. Discovery and Disclosure

۶. Work-Product Doctrine

از سوی دیگر، در حقوق ایران نباید از ماده ۶۶۷ قانون مدنی که وکیل را مکلف به رعایت مصلحت موکل می‌کند، به تنهایی وجود یک «مصونیت محصول کار وکیل» به معنای فنی آن در حقوق آمریکا را استنباط کرد. این ماده می‌تواند مبنایی برای الزام وکیل به رعایت مصلحت موکل باشد، اما ایجاد یک امتیاز آیین دادرسی در برابر طرف دعوا نیازمند نص یا مبنای حقوقی مستقل است. بنابراین، در این زمینه بین دو نظام حقوقی تفاوت‌هایی وجود دارد.

۳. افشاهای مجاز و حدود اصل محرمانگی

محرمانگی اصلی اساسی است، اما مطلق نیست؛ در ماده ۱۰۶ قواعد رفتار حرفه‌ای ایالات متحده شرایط مشخصی برای افشای اطلاعات پیش‌بینی کرده است. نکته مهم این است که افشا باید تا حدی باشد که وکیل به طور معقول آن را برای هدف مجاز ضروری بداند همچنین در برخی موارد، افشا با رضایت آگاهانه موکل یا به طور ضمنی برای اجرای صحیح نمایندگی امکان‌پذیر است.

در حقوق ایران نیز ماده ۳۰ قانون وکالت تکلیف به حفظ اسرار را در موارد قانونی قابل جمع می‌داند و ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی نیز عبارت «در غیر موارد قانونی» را به کار برده است. بنابراین، برای بیان دقیق‌تر موضوع باید از این گزاره که «وکیل مطلقاً حق افشا ندارد» پرهیز کرد و به جای آن، اصل را محرمانگی و استثنا را افشای مجاز بر مبنای قانون، رضایت معتبر یا ضرورت قانونی دانست.

همچنین محرمانگی باید از مرحله‌ی پیش از انعقاد قرارداد وکالت نیز مورد توجه قرار گیرد؛ شخص ممکن است برای بررسی امکان پذیرش پرونده، اطلاعات حساس خود را در اختیار وکیل بگذارد اما نهایتاً رابطه وکالت منعقد نشود. از منظر اخلاق حرفه‌ای، حفظ اطلاعاتی که در فرآیند مشاوره مقدماتی به دست آمده، برای حمایت از اعتماد عمومی به حرفه وکالت اهمیت دارد.

۴. اصل درستکاری، صداقت و رفتار منصفانه

وکیل صدیق و درستکار با اعمال خود اعتماد و اطمینان موکل خود را جلب می‌نماید و از این طریق می‌تواند در کشف حقیقت و انجام وظایف شغلی خود در راستای برقراری عدالت به دادگاه نیز به نحو موثرتری مساعدت نماید. (انصافداران، ۱۳۹۰)

درستکاری حرفه‌ای از ارکان اعتبار وکالت است؛ وکیل در عین دفاع جدی از موکل، مجاز نیست برای دستیابی به نتیجه مطلوب از دروغ، فریب، ارائه اطلاعات خلاف واقع یا رفتارهای مغایر با قانون و شأن حرفه‌ای استفاده کند. بنابراین، وفاداری به موکل را نمی‌توان مجوز رفتار خلاف قانون یا خلاف الزامات حرفه‌ای دانست. (ماده ۳.۳، ۴.۳ و بخش ماده C ماده ۴.۸)

در قواعد نمونه رفتار حرفه‌ای کانون وکلای آمریکایی اصل در چند قاعده مکمل منعکس شده است. ماده ۳.۳ با عنوان «صداقت و عدم گمراه کردن مرجع قضایی»، صداقت وکیل در برابر دادگاه را تنظیم می‌کند و از جمله، ارائه آگاهانه اظهارات خلاف واقع نسبت به واقعیت یا قانون، ارائه ادله‌ای که وکیل می‌داند خلاف واقع است را منع می‌کند. (McKoski, ۲۰۱۴)

ماده ۴.۳ نیز با عنوان «رفتار منصفانه با طرف مقابل و وکیل وی»^۷، به این امر توجه دارد که وکیل حتی در مقام دفاع از منافع موکل خویش، نباید از روش‌های ناعادلانه یا سوءاستفاده آمیز علیه طرف مقابل و وکیل ایشان استفاده نماید.

این تفکیک برای حقوق ایران نیز آموزنده است؛ زیرا وکیل باید میان دفاع مؤثر و استفاده از شیوه‌های نامشروع تمایز بگذارد. در آیین‌نامه اجرایی لایحه استقلال، ارائه اسناد، مدارک یا اطلاعات خلاف واقع به قاضی، کارشناس یا اشخاص دخیل در رسیدگی با علم به خلاف واقع بودن، تخلف انتظامی شناخته شده است. همچنین رفتار خلاف شئون وکالت و برخی مصادیق تبلیغ سوء علیه وکلا، قضات و مراجع نیز در مقررات انتظامی مورد توجه قرار گرفته است.

در نتیجه، درستکاری حرفه‌ای را می‌توان در سه رابطه بررسی کرد: صداقت با موکل، صداقت با دادگاه و مراجع رسمی و رفتار منصفانه با طرف مقابل. هرچند وکیل مدافع اصولاً بی‌طرف مانند قاضی نیست، بلکه باید در چارچوب قانون، وفادار و مدافع منافع موکل باشد.

۵. اصل وفاداری و پرهیز از تعارض منافع

وفاداری یکی از مهم‌ترین الزامات رابطه نمایندگی است، اما وفاداری حرفه‌ای به معنای ترجیح مطلق منافع موکل بر قانون یا حقوق اشخاص دیگر نیست. وکیل باید منافع موکل را در حدود قانون و با حفظ استقلال حرفه‌ای دنبال کند و در عین حال از موقعیت‌هایی که منافع شخصی یا تعهدات او نسبت به اشخاص دیگر با منافع موکل تعارض پیدا می‌کند، پرهیز کنند. (Meserve et al., ۱۹۸۳)

ماده ۷.۱ قواعد نمونه رفتار حرفه‌ای به تعارض منافع موکلان فعلی می‌پردازد و نمایندگی مستقیم موکل در برابر موکل دیگر یا وجود تعارض منافع شخصی وکیل را در شرایط مقرر محدود می‌کند. برخی تعارض‌ها با رضایت آگاهانه موکلان و تحقق شرایط مقرر قابل مدیریتاند و برخی تعارض‌ها اصولاً قابل رفع با رضایت نیستند؛ ماده ۹.۱ نیز به وظایف وکیل نسبت به موکل سابق و تعارض منافع ناشی از نمایندگی پیشین توجه دارد.

در حقوق ایران، ماده ۳۷ قانون وکالت مقرر می‌کند وکیل پس از استعفا، عزل یا انقضای وکالت، نمی‌تواند در همان موضوع علیه موکل سابق خود یا قائم‌مقام قانونی او وکالت طرف مقابل یا اشخاص ثالث را بپذیرد. افزون بر این، آیین‌نامه اجرایی لایحه استقلال در مقررات انتظامی، پذیرش وکالت علیه موکل سابق در همان موضوع و نیز برخی موقعیت‌های مرتبط با قضاوت، داوری و مشاوره پیشین را مورد توجه قرار داده است.

با این حال، مفهوم تعارض منافع در حقوق ایران همچنان نیازمند صورت‌بندی منسجم‌تر است. پیشنهاد می‌شود قواعد حرفه‌ای آینده، تعارض منافع جاری، تعارض ناشی از رابطه پیشین، تعارض منافع شخصی وکیل، تعارض میان چند موکل و تعارض‌های ناشی از فعالیت حرفه‌ای یا سازمانی وکیل را از یکدیگر

تفکیک کنند و در هر مورد معیارهای پذیرش یا رد وکالت و امکان رضایت آگاهانه موکل را روشن سازند.

۶. ارتباط و اطلاع‌رسانی به موکل

رابطه حرفه‌ای مؤثر بدون ارتباط مناسب با موکل امکان‌پذیر نیست. موکل باید بداند پرونده در چه مرحله‌ای قرار دارد، چه اقداماتی انجام شده، چه تصمیم‌هایی پیش روی اوست، چه هزینه‌هایی محتمل است و چه محدودیت‌هایی بر نتیجه پرونده وجود دارد. اطلاع‌رسانی حرفه‌ای به معنای تضمین نتیجه دعوا نیست؛ بلکه به معنای انتقال اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری آگاهانه موکل است.

ماده ۱۴ با عنوان «ارتباطات با موکل»^۸، وکیل را به اطلاع‌رسانی مناسب به موکل درباره وضعیت نمایندگی، پاسخ‌گویی معقول به درخواست‌های اطلاعاتی و توضیح موضوعات لازم برای تصمیم‌گیری آگاهانه موکل ملزم می‌کند. «تجربه نشان داده است که عدم ارتباط مناسب وکیل با موکل، اغلب زمینه‌ساز یا تشدیدکننده سایر تخلفات حرفه‌ای است. به همین دلیل، تکلیف صریحی که در ماده ۱۴ برای وکیل در زمینه ارتباط با موکل پیش‌بینی شده، فقط به بهبود ارتباط میان این دو کمک نمی‌کند، بلکه موجب ارتقای روابط حرفه‌ای وکیل و موکل و افزایش اعتبار کلی حرفه وکالت نیز می‌شود. (Geoffrey et al., ۱۹۸۵) در کنار آن ماده ۱۵ درباره حق‌الوکاله و هزینه‌ها نیز شفافیت مالی را مورد توجه قرار می‌دهد.

در حقوق ایران، ماده ۴۴ قانون وکالت اطلاع‌رسانی سریع درباره احکام، قرارها و اخطارهایی را که نیازمند اقدام یا پرداخت هزینه از سوی موکل است الزامی می‌کند. ماده ۴۵ نیز وکیل را مکلف کرده است پیش از تنظیم قرارداد حق‌الوکاله، آثار قانونی عدم پیشرفت دعوا را در موارد مقرر به موکل گوشزد کند. ماده ۶۶۸ قانون مدنی نیز وکیل را مکلف به دادن حساب مدت وکالت و رد آنچه به جای موکل دریافت کرده است می‌کند.

بر این اساس، می‌توان تکلیف اطلاع‌رسانی را در سه مرحله دید: مرحله پیش از پذیرش وکالت، مرحله اجرای وکالت و مرحله پایان رابطه. پیشنهاد می‌شود در قواعد حرفه‌ای آینده، حداقل اطلاعات لازم در هر مرحله، شیوه ثبت ارتباطات مهم و مسئولیت وکیل در قبال مهلت‌های قانونی به صورت روشن بیان شود.

۷. معرفی حرفه‌ای، تبلیغات و شأن و اعتبار وکالت

معرفی حرفه‌ای و تبلیغات وکلا باید میان حق اطلاع‌رسانی عمومی و ضرورت حفظ شأن حرفه‌ای تعادل برقرار کند. وکیل می‌تواند درباره حوزه فعالیت، سوابق واقعی و خدمات حرفه‌ای خود اطلاعات صحیح ارائه دهد، اما نباید از ادعاهای گمراه‌کننده، وعده نتیجه قطعی، ادعای نفوذ در مراجع، نسبت‌های ناروا به همکاران یا مقامات، یا معرفی تخصص‌ها و مدارکی که واقعیت ندارند استفاده کند.

^۸ Communication

قواعد نمونه رفتار حرفه‌ای، در ماده ۷ به ویژه قسمت‌های ۷.۱ و ۷.۲ ارتباطات مربوط به خدمات حقوقی و تبلیغات را تنظیم می‌کنند؛ اصل محوری این قواعد، منع ارتباطات نادرست یا گمراه‌کننده است. بنابراین، رویکرد قواعد موصوف صرفاً منع تبلیغ نیست؛ بلکه تلاش می‌کند تبلیغات حرفه‌ای را در چارچوب صداقت و شفافیت تنظیم کند. براساس این دیدگاه، مردم باید بتوانند بفهمند چه خدمات حقوقی‌ای در دسترس آن‌هاست و چگونه می‌توانند به وکیل دسترسی پیدا کنند.

در گذشته، سنت حرفه وکالت این بود که وکیل نباید برای پیدا کردن موکل فعالانه تبلیغ یا بازاریابی کند اما دیدگاه جدید این است که این سنت نباید مانع دسترسی مردم به اطلاعات حقوقی شود. در حقیقت تبلیغ خدمات حقوقی فی‌نفسه ممنوع نیست؛ اگر مردم ندانند چه خدمات حقوقی‌ای وجود دارد، عملاً ممکن است نتوانند به عدالت دسترسی پیدا کنند. مشکل زمانی ایجاد می‌شود که تبلیغ گمراه‌کننده، خلاف واقع یا خارج از حدود اخلاق حرفه‌ای باشد. (American Bar Association Center for Professional Responsibility, ۲۰۱۵)

در حقوق ایران، مقررات انتظامی نیز نسبت به معرفی خلاف واقع مانند درجه، میزان تحصیلات یا تخصص و استفاده از عناوین غیرواقعی حساس است و برخی اشکال تبلیغ سوء علیه سایر وکلا، قضات و مراجع را تخلف انتظامی تلقی می‌کند. (ماده ۸۰ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا دادگستری)

بنابراین، اصل صداقت در معرفی حرفه‌ای در هر دو نظام قابل مشاهده است، هرچند دیدگاه سنتی به تبلیغات و فضای حقوقی تبلیغات در حقوق ایران نیازمند تغییر می‌باشد.

۸. استقلال حرفه‌ای و مسئولیت وکیل در برابر نظام عدالت

استقلال حرفه‌ای شرط اساسی انجام صحیح وظیفه وکالت است. وکیل نباید تصمیمات حرفه‌ای خود را تحت تأثیر فشار موکل، منافع شخصی، اشخاص ثالث یا منافع اقتصادی نامرتبط قرار دهد. استقلال البته به معنای بی‌تفاوتی نسبت به خواست موکل نیست؛ بلکه به این معناست که وکیل در تعیین شیوه حقوقی دفاع و تشخیص حدود قانونی اقدام، از قضاوت حرفه‌ای مستقل برخوردار باشد.

ماده ۱.۲ درباره حدود نمایندگی و تقسیم اختیار میان موکل و وکیل، ماده ۱.۳ درباره جدیت و ماده ۴.۵ با عنوان «استقلال حرفه‌ای وکیل»^۹ درباره استقلال حرفه‌ای در ساختارهای اقتصادی و سازمانی، از زوایای مختلف از این مفهوم حمایت می‌کنند. در کنار آن، مواد ۳.۳ و ۳.۴ نشان می‌دهند که دفاع از موکل در برابر وظایف وکیل نسبت به دادگاه و فرآیند عدالت مطلق نیست. فلسفه اصلی مقررات اخیر این است که وکیل اگرچه مدافع منافع موکل است، حق ندارد برای پیروزی موکل دادگاه را گمراه کند. (McKoski, ۲۰۱۴)

در حقوق ایران نیز استقلال کانون وکلا و استقلال حرفه‌ای وکیل در کنار وظیفه وفاداری به موکل قابل تحلیل است. وکیل باید در حدود اختیارات و قانون از منافع موکل دفاع کند، اما نمی‌تواند به بهانه دفاع، رفتار مجرمانه، فریب دادگاه یا تضییع حقوق اشخاص را توجیه کند. از همین رو، بهتر است در ادبیات

^۹ Professional Independence of a Lawyer

حقوقی از «بی‌طرفی وکیل» با احتیاط استفاده شود و به جای آن، اصطلاحات «استقلال حرفه‌ای»، «وفاداری»، «صدقت» و «پرهیز از تعارض منافع» به کار رود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

حرفه وکالت بدون وجود استانداردهای روشن رفتار حرفه‌ای نمی‌تواند اعتماد عمومی و کارکرد مطلوب خود را به طور کامل حفظ کند. بررسی قواعد نمونه رفتار حرفه‌ای کانون وکلای آمریکا نشان می‌دهد که رفتار حرفه‌ای وکیل بر مجموعه‌ای از اصول به‌هم‌پیوسته مانند صلاحیت، جدیت، محرمانگی، وفاداری، پرهیز از تعارض منافع، ارتباط مؤثر با موکل، صداقت، رفتار منصفانه، استقلال حرفه‌ای و رعایت شأن و اعتبار حرفه استوار است.

حقوق ایران نیز بخش قابل توجهی از این اصول را در قوانین و مقررات موجود پذیرفته است. ماده ۶۶۷ قانون مدنی، مواد ۳۰، ۳۷، ۴۴ و ۴۵ قانون وکالت و آیین‌نامه اجرایی لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری، نمونه‌هایی از این موارد هستند. همچنین ضمانت اجرای انتظامی و در مواردی کیفری، برای حمایت از برخی تکالیف حرفه‌ای پیش‌بینی شده است.

با این حال، تفاوت مهم میان دو نظام در میزان انسجام و نظام‌مندی است؛ در حقوق ایران، قواعد رفتار حرفه‌ای در منابع متعدد پراکنده است و در برخی موارد برای استخراج یک اصل کلی باید چند مقرر در کنار یکدیگر قرار گیرند. در مقابل، قواعد نمونه رفتار حرفه‌ای کانون وکلای آمریکا مجموعه‌ای منظم از قواعد تخصصی ارائه می‌کند و با تفکیک دقیق موضوعاتی مانند تعارض منافع جاری و سابق، محرمانگی، صداقت در برابر دادگاه، رفتار منصفانه با طرف مقابل و ارتباط با موکل، معیارهای روشن‌تری در اختیار وکیل و نهادهای انتظامی قرار می‌دهد.

باید ای مجموعه شود؛ چنین تدوین‌ای حرفه رفتار قواعد از بومی و منسجم‌ای مجموعه ایران، حقوق در شومدی پیشنهاد رو، این از امکان حد تا نیز را تخلف تشخیص معیارهای و اجراها ضمانت و تکالیف میان رابطه استثناءها، اصل، هر حدود اصول، بیان بر علاوه حرفه شأن ارتقای موکل، از مؤثرتر حمایت حقوقی، خدمات کیفیت افزایش در مهم گامی تواندمی قواعد این تدوین. کند روشن باشد عدالت نظام به عمومی اعتماد تقویت و وکالت

References

- American Bar Association Center for Professional Responsibility. (۲۰۱۵). ABA compendium of professional responsibility rules and standards. Center for Professional Responsibility, American Bar Association.
- Bennett, E. J., Gunnarsson, H. W., & Kisicki, N. G. (۲۰۲۳). Annotated model rules of professional conduct (۱۰th ed.). ABA Book Publishing.
- Ensafdar, M. R. (۲۰۱۳). A comparative study of the professional duties of attorneys (۲nd ed.). Javidaneh Jangal Publishing.
- Hazard, G. C., Jr., & Hodes, W. W. (۱۹۸۵). The law of lawyering: A handbook on the Model Rules of Professional Conduct. Law & Business.

- Hosseini Nik, S. A. (Ed.). (۲۰۱۲). Civil Code of the Islamic Republic of Iran (۱۷th ed.). Majd Publishing.
- Kamalān, S. M. (Ed.). (۲۰۱۹). Collection of laws and regulations governing the legal profession (۱۰th ed.). Kamalān Publishing.
- Kerley, P. N., Hames, J. B., & Sukys, P. (۲۰۰۸). Civil litigation (۵th ed.). Publisher: Delmar Cengage Learning
- Martyn, S. R., Fox, L. J., & Wendel, W. B. (۲۰۱۵). The law governing lawyers. Wolters Kluwer.
- McKoski, R. J. (۲۰۱۴). The truth be told: The need for a model rule defining a lawyer's duty of candor to a client. Iowa Law Review Bulletin, ۹۹, ۷۳.
- Meserve, R. W., Frankel, M. E., Sinkfield, R. H., et al. (۱۹۸۳). Annotated model rules of professional conduct (۴th ed.).